

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۷/۲۷

نقش رسانه در پیشگیری از جرم

نوشته

غلامحسین بیابانی*

چکیده

در جهان امروز وقتی صحبت از پیشگیری (هر حوزه‌ای) به میان می‌آید، اولین چیزی که ذهن‌ها را درگیر می‌کند رسانه است. رسانه‌ها منابع عمده آفرینش و پویایی فرهنگ به‌شمار می‌روند. قدرت و توان این ابزارهای فکری از پایه‌های آنچنان بلند برخوردار است که بدون حضور آن، دسترسی به جامعه‌ای با فرهنگ پویا، دست‌نیافتنی و محال است. رسانه‌ها سپهر اطلاعاتی هر جامعه به‌شمار می‌روند و کارکردهای مختلف اعم از آشکار و پنهان در حوزه‌های آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی، تفریح و سرگرمی دارند. به غیر از موارد یاد شده رسانه‌ها در تولید جرم و فضای منبعث از آن و هم در پیشگیری از جرم نقش می‌آفرینند به گونه‌ای که نقش و کارکرد آن مورد توجه همگان قرار گرفته است. زیرا دانش عمومی از جرم و جنایت و عدالت تا حد زیادی از رسانه‌ها به‌دست می‌آید. با رواج دیدگاه رسانه‌سالاری که از قدرت بالای رسانه‌ها در القا و تأثیرگذاری بر روی مخاطبان به عمل می‌آورد و برای مخاطبان در قبال پیام‌های رسانه‌های عمومی نقش انفعالی و تأثیرپذیر قائل هستند. لذا هدف از پیشگیری ممکن است کاهش جرم یا محدود کردن آن یا جلوگیری از رشد آن باشد. بر این اساس آنچه در این مقاله نگارنده برآن تأکید دارد به غیر از کارکرد رسانه در حوزه‌های مختلف؛ به نقش پیشگیرانه رسانه از طریق آموزش شهروندان و حساس‌سازی گروه ویژه و عموم جامعه است.

کلیدواژه: رسانه، جرم، پیشگیری، کاهش جرم، کارکرد رسانه.

مقدمه

عصر حاضر عصر ارتباطات است و رسانه‌ها با انتقال اطلاعات جدید و مبادله افکار و عقاید عمومی، نقش بزرگی را در فرهنگ‌سازی و هنجارآفرینی جوامع به عهده دارند؛ رسانه‌ها در عصر جدید از جمله عوامل تفکیک‌نشدنی از زندگی روزمره هستند (معینی‌فر، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی biabanigh@yahoo.com

به طوری که اگر رسانه به نحو صحیحی در راستای فرهنگ جامعه فعالیت کند، می تواند موجب ارتقای ارزش های انسانی شود و از وقوع بسیاری معضلات و جرائم در جامعه پیشگیری کند. برعکس اگر محتوای رسانه ها بدون کارشناسی و هدف گذاری مثبت تنظیم شود، آثار منفی بسیاری بر جامعه می گذارد و منجر به وقوع جرائم و انحرافات اجتماعی می شود (عابدی تهرانی و افشار، ۱۳۹۰: ۱۱۵). در واقع رسانه بین شهروندان عمومی و مؤسسات دولتی قرار می گیرد. بنابراین رسانه نیازها و خواست های عمومی مردم را به تصویر می کشد. از سوی دیگر، راهبردها و برنامه های موجود را با توجه به نیازهای مردم سازگار می کند. با این دید ما می توانیم نقش حیاتی رسانه های گروهی را در پیشگیری از جرم بشناسیم، رسانه ها ابزاری بسیار مؤثر در مبارزه با جرم و جنایت هستند. نهادهای گردن رسانه های گروهی به عنوان رکن اساسی و قاعده مند سیستم های قضایی، انتظامی با استفاده از آموزش شاغلین در رسانه ها، با عنایت به نقشی که رسانه ها در ایجاد امنیت، آرامش و کامیابی دارند، چراغ روشنی فرا راه پیشگیری از وقوع جرم خواهد بود (رنجبر و ایری، ۱۳۹۰: ۳۷). بر این اساس رسانه ها کارکردی امنیت ساز دارند. آن ها در ایجاد امنیت از نقشی مؤثر برخوردارند، اما آن گاه که در کارکردی منفی نقش وارونه بر عهده می گیرند، فضای اطلاعاتی جامعه را آلوده، مبهم و تاریک می سازند (ر.ک بیابانی، ۱۳۸۴: ۷۷).

لذا با توجه به کارکردهای مختلف ویژگی هایی مانند گسترده بودن، کثرت مخاطب، سرعت انتقال و وسعت انتشار، نقش رسانه ها در پیشگیری از وقوع جرم بسیار بالاست. رسانه ها مهم ترین ابزار نظارتی در جامعه هستند و به مثابه چشم جامعه عمل می کنند و می توانند مراجع کیفری را از مقدمات جرائم آگاه کنند و باعث شوند که جرم در مرحله شکل گیری در نطفه خفه شود. رسانه ها قابلیت های خوبی در این زمینه دارند و می توانند موقعیت های انتخاب جرم به ویژه در جرائم اقتصادی که مبارزه با آن ها سخت است را افشا کنند و این اقدامات خود کمک زیادی به افزایش امنیت اجتماعی می کند. رسانه ها همچنین می توانند در این راستا از مردم استفاده کنند زیرا مردم به راحتی پیام ها و گزارش های خود را ارائه می کنند و در راستای افشای برخی جرائم، آگاهی می دهند. تقویت بُعد ارباب عمومی مجازات ها از دیگر کارکردهای رسانه در پیشگیری از وقوع جرم است. رسانه ها باید جنبه ترسانندگی مجازات را برجسته کنند تا همگان دریابند شخصی که مرتکب جرمی می شود به سزای عملش خواهد رسید. بحث دیگر ایجاد قبح اجتماعی و حساسیت در جامعه است. در برخی جوامع بعضی از جرائم قبحی ندارند. برای مثال فرار از مالیات در یک کشور نوعی زنگی به شمار می آید و حتی جرائمی مانند قاچاق در برخی کشورها قبح چندانی ندارد؛ رسانه ها در ایجاد این قبح اجتماعی و حساس سازی جامعه و افزایش امنیت اجتماعی به این طریق نقش بسزایی دارند (شایگان، ۱۳۸۹: ۱۰۲). همچنین شاید تأثیر رسانه های گروهی بر جرم و تصاویر عمومی از امنیت، بسیار کلی تر از چارچوب نسبتاً خاص عنوان شده درباره عرضه هر روزه حجم وسیعی از تصاویر رسانه ای در دنیای غرب باشد (اشنایدر و کیچین، ۱۳۸۷: ۲۵۸). در این مقاله قصد بر آن نیست که در مورد میزان

تأثیر این مسئله بر رفتار انسان صحبت شود. هدف عمده رسانه‌ها از نمایش برنامه‌ها، جلب توجه مخاطبان است. در این مقاله هدف نگارنده این است که ابعاد مختلف پیشگیری از نگاه رسانه را مورد کنکاش قرار دهد.

بیان مسئله

رسانه یک منبع اولیه از اطلاعات مربوط به جرم و جنایت و ایمنی برای بخش قابل توجهی از جامعه است "جودیت دوبوا"، به عنوان یک محقق از دانشگاه کبک مونترال، به مطالعات ملی متعدد و ثبت شده توسط کمیسیون داوری کانادا اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که ۹۵ درصد از مصاحبه‌شوندگان از رسانه‌ها به عنوان منبع اصلی اطلاعات در مورد مسائل مربوط به جرم و جنایت استفاده می‌کنند. با وجود این رقم قابل توجه، بحث‌های بی‌پایان زیادی در خصوص میزان پوشش رسانه‌ای حوادث مربوط به جرم و جنایت بر افکار عمومی و سیاست وجود داشته است. خواه این تأثیر قوی یا ضعیف باشد، این مقاله نشان می‌دهد که رسانه‌ها هر یک از دو تأثیر مثبت و منفی را در افکار عمومی و سیاست اعمال می‌کنند. که این امر تا حد زیادی با میزان تمرکز ما بر پیشگیری از جرم و جنایت متناسب است. به منظور بررسی این نقش، مهم قبول این مطلب است که "رسانه" تنها منبع تحقیق نیست، اما شامل یک سری از عناصر است که خود نیاز به تجزیه و تحلیل جداگانه، از طریق روزنامه، رادیو، اینترنت، تلویزیون، و رسانه‌های جایگزین در بررسی نفوذ رسانه‌های جرم و جنایت در افکار عمومی و عدالت کیفری و پیشگیری سیاست و عمل دارند (دوبوا، ۲۰۰۲). رسانه‌های ارتباط جمعی نقش ویژه‌ای در ادراک مخاطبان از محیط اجتماعی و جامعه‌پذیری انتقال ارزش‌ها و بروز احساسات و هیجانات و شکوفاشدن استعدادها و مخاطبان دارند. در واقع رسانه‌ها با این قابلیت می‌توانند هم موجب کشت عناصر جرم‌آفرین و ایجاد انگیزش به بزهکاری را به وجود آورند و هم می‌توانند از جرم‌آفرینی پیشگیری کنند و با انگیزه‌زدایی، به مردم رفتاری‌های صحیح زیست‌جمعی را بیاموزند و نقش بازدارندگی خود را ایفا کنند. برای عینی‌تر شدن این بحث لازم است که به فرایند ارتباطات و نهادهای ارتباطی توجه شود؛ کانال‌های ارتباطی یکی از ارکان ارتباط است که برخی آن را رسانه نامیده‌اند. در میان عوامل متعدد مرتبط با جرم نقش رسانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است و در حقیقت احتمال اینکه تلویزیون، رادیو، مطبوعات، سینما و ... هیچ نفوذی در عقایدی که مردم از آن‌ها دفاع می‌کنند و یا رفتارهای مطلوب و بهنجار نداشته باشند خیلی کم است. با وجود این اگر تعدادی از افراد را به شکل مجرد در نظر بگیریم و آن‌ها را تحت تأثیر مستقیم و بدون قید و شرط رسانه بدانیم نیز اشتباه است. نگرش‌ها و رفتارهای افراد تحت تأثیر روابط اجتماعی خود نیز قرار دارد و به عنوان مثال گروه‌های نخستین (خانواده، گروه، دوستان، همکاران نزدیک اداری و ...) تأثیر بسیاری در این زمینه دارند (جهانبین، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

رویکرد نظری رسانه و جرم

ویژگی اصلی نخستین نظریه‌های مطرح شده در زمینه ارتباط میان جرم و رسانه، نگرش‌هایی به شدت منفی است که در مورد نقش رسانه‌ها و تأثیرپذیری مخاطبان ابراز شده است. در دوره‌ای اعتقاد بر این بود که کنش‌های اجتماعی بیشتر تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار دارند تا انتخاب‌های فردی. در این دوره، رسانه‌های گروهی نوظهور، کانون توجه نظریه‌هایی قرار گرفت که به تشریح آثار زیان‌بار این عوامل بیرونی می‌پرداختند. از نگاه برخی از متفکران اوایل قرن بیستم، رسانه‌های گروهی جدید مهاجمان بیگانه‌ای بودند که پیام‌ها، افکار و مفاهیمشان را به طور مستقیم به اذهان مخاطبان دست بسته خود القا می‌کردند. اگر چه برخی دیگر از پژوهش‌گران به طور جدی با تلاش‌هایی که در صدد بیان رابطه علت و معلولی میان جرم و رسانه بودند، مخالفت می‌ورزیدند؛ با این حال اندیشه‌های مربوط به رسانه‌های بالقوه زیان‌بار که می‌توانند پیام‌های منفی و ضد اجتماعی به دنبال داشته باشند (فرجیها، ۱۳۸۵: ۶۰-۵۹). به طور کلی در زمینه رسانه و جرم، دو دیدگاه کلی وجود دارد که بیان آن‌ها خود نشان می‌دهد تا چه حد در این حوزه اختلاف نظر وجود دارد. پیروان یک دیدگاه معتقدند، رسانه‌ها نه تنها عامل به وجود آوردن جرم در جامعه‌اند که نقش انکارناشدنی در پیچیده شدن جرائم و سازمان‌دهندگی آن نیز دارند. دیدگاه دیگر مطرح می‌کند که رسانه‌ها هیچ‌گونه اثری بر شکل‌گیری جرم ندارند و یا اثرات بسیار محدودی دارند. اعتبار نسبی این دو دیدگاه متضاد، یعنی از یک سو محوری بودن رسانه‌ها و از سوی دیگر بی‌اهمیتی آن‌ها، به نوعی سبب آشفتگی در تحلیل صاحب‌نظران این حوزه شده است و این همان نکته‌ای است که قبلاً به آن اشاره شده که نباید در تحلیل رابطه جرم و رسانه، نگاهی مطلق و یک‌سویه داشت. بلکه باید پذیرفت که تحلیل این رابطه در جایی بین این دو فاصله (دو نظریه مطرح شده اخیر) قرار دارد. پژوهش در زمینه "جرم مقلدانه"^۱ مدارک و شواهد مختصری از اثر جرم‌زایی رسانه‌ها به دست می‌دهد. در واقع بر اساس دیدگاه دوم، رسانه‌ها به تنهایی نمی‌توانند فرد تابع قانون را به مجرم تبدیل کنند و شایسته هم نیست علت جرم را به تنهایی متوجه رسانه‌ها کرد. شاید به همین خاطر باشد که راهبردهای انتخاب شده متکی بر این نظریه، تاکنون اثر چندانی در کنترل انحرافات اجتماعی نداشته‌اند، به عبارت دیگر، رادیو، تلویزیون، فیلم‌های سینمایی، مطبوعات و سایر ابزارهای اطلاع‌رسانی، خود وسیله موجد جرم محسوب نمی‌شوند. بلکه ابزاری هستند که می‌توانند به شکل دلخواه مورد بهره‌برداری قرار گیرند. (هادیان، ۱۳۹۰: ۳۵)

انواع پیشگیری از جرم

دیدگاه‌های مختلفی در مورد نحوه دسته‌بندی اقدامات پیشگیرانه از جرم وجود دارد. مثلاً استانویچ اقدامات پیشگیرانه را به دو دسته تقسیم کرده است. وی در نخستین دسته‌بندی، پیشگیری از جرم را در سه خصیصه کلی توصیف می‌کند. که به عنوان پیشگیری اولیه، پیشگیری

ثانویه و پیشگیری ثالث از آن‌ها نام برده شده است. دومین گروه از اقدامات پیشگیرانه شامل دسته‌بندی‌هایی مانند دسته‌بندی اومالی و ساتن است که مطابق آن رویکردهای پیشگیری از جرم بر اساس کاهش فرصت‌های جرم یا پیشگیری اجتماعی دسته‌بندی شده‌اند. مشابه همین تقسیم‌بندی، تونری و فارینگتون راهبردهای پیشگیری از جرم را با عناوین پیشگیری انتظامی، پیشگیری توسعه‌ای، پیشگیری جامعه‌ای و پیشگیری وضعی تقسیم می‌کنند، در حالی که باتومس از پیشگیری‌های وضعی، اجتماعی و توسعه‌ای سخن می‌گوید. جرم‌شناس دیگری به نام شفت رویکردهای پیشگیری از جرم را به سه روش اصلی به شرح جدول زیر تقسیم کرده است.

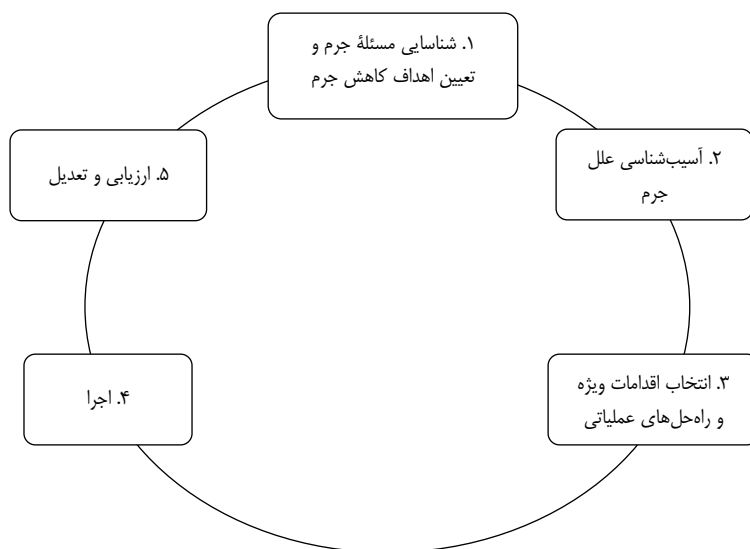
۱. استفاده از عدالت کیفری (پلیس، دادگاه‌ها، زندان‌ها و غیره) برای بازداشتن مردم از ارتکاب جرم یا خارج ساختن آنان از چرخه جرم به نحوی که جرائم بعدی را مرتکب نشوند.
۲. کاهش فرصت‌های وقوع جرم در انگلستان و آمریکای شمالی؛ این کار پیشگیری وضعی از جرم نامیده می‌شود و معمولاً با طراحی ساختمان‌ها و محله‌ها آغاز می‌شود.
۳. کاهش انگیزه ارتکاب جرم؛ این نوع از پیشگیری برخی مواقع پیشگیری برخی مواقع پیشگیری از مجرمیت با پیشگیری اجتماعی از جرم نامیده می‌شود. (ر.ک اسمعیلی و کسمایی پور، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۱۱)

فرایند پیشگیری از جرم

پیشگیری موفقیت‌آمیز از جرم اغلب وابسته به طیف وسیعی از اقدامات و نیاز به مجموعه‌ای از اقدامات دارد که به طیفی از موضوعات متفاوت مربوط می‌شوند - نه فقط خود جرم - و سازمان‌های متعددی را دخیل می‌کند. نظام برنامه‌ریزی یکی از عوامل مهم در راهبرد پیشگیری از جرم است. برنامه‌ریزی خوب به تنهایی نمی‌تواند معضل جرم را حل کند، اما وقتی با دیگر اقدامات همراه می‌شود، می‌تواند سهم چشمگیری داشته باشد (اشنایدر و کیچین، ۱۳۸۷: ۷۳-۲۷۲). پیشگیری از جرم نوعاً از طریق راه‌حل‌های ثابت و کلیشه‌ای قابل دسترسی نیست، بلکه، بیشتر به صورت اجرای اصول اساسی در مراحل مختلف یک فرایند دیده می‌شود. در الگوهای علمی برای پیشگیری از جرم معمولاً موارد زیر را مورد بررسی قرار می‌دهند:

۱. شناسایی مسئله جرم و هدف‌گذاری؛ به بیان دیگر تعیین الگوی خطر جرم است. این کار از طریق تجزیه و تحلیل الگوی جرم یا هدف‌گیری بزه‌کاران، صورت می‌گیرد.
۲. آسیب‌شناسی علل جرم؛ علل جرم را می‌توانیم به علل بلاواسطه و علل بعید تقسیم کرد. به واسطه نظریه تقارن فرصت مجرمانه (The Conjunction of Criminal Opportunity) جرم محصول تأثیر محصول تأثیر علل بی‌واسطه‌ای است که جمع شدن آن‌ها در کنار یکدیگر موجب وقوع آن می‌شود.

۳. انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه‌حل‌های عملیاتی و کاربردی؛ اقدامات پیشگیرانه موجب از هم‌گسیختگی تقارن فرصت جرم شده و خطر حدوث وقایع مجرمانه را کاهش می‌دهند و در صورتی که همه چیز به‌خوبی پیش برود، شمار وقایع مجرمانه، تقلیل خواهد یافت.
۴. اجرای راهکارهای پیشگیرانه؛ اجرای پیشگیری شامل هدف‌گذاری و انجام برنامه است. یعنی انجام اقدام مناسب در خصوص علل جرم به روشی کارآمد، اثربخش، پایدار و قابل قبول که نیازهای معین و اولویت‌دار بزه‌دیدگان و جامعه را مورد هدف قرار دهد (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۹۸-۸۶).



رسانه و پیشگیری از جرم

این مهم است که ما بتوانیم بین مفهوم کنترل جرم یا مبارزه با جرم و مفهوم پیشگیری از جرم تمایز قائل شویم. پیشگیری از جرم (Crime prevention) لزوماً موضوعی مربوط به اجرای قانون یا فعالیت‌های معمول پلیسی و سیستم قضایی همانند تعقیب و پیگرد، دادگاه‌ها و زندان مجموعه‌های وابسته به هم در نظر گرفته می‌شوند، نیست. بلکه پیشگیری از جرم تلاشی است برای استفاده از منابع جامعه جهت تغییر شرایطی که مردم مستعد ارتکاب جرم در آن شرایط هستند. برنامه‌های پیشگیری از جرم شامل برنامه‌های اجتماعی طراحی‌شده جهت بهبود شرایط اجتماعی است. هدف نهایی برنامه‌های پیشگیری از جرم، ایجاد اجتماعی سالم و تلاشی جهت درگیر کردن فعالانه تمام بخش‌های جامعه برای پیشگیری از وقوع جرم است این مجموعه از برنامه‌ها، استفاده از رسانه‌های گروهی را به‌عنوان ابزاری توانمند در خصوص پیشگیری از جرم موجب شده است (رنجبر و ایری، ۱۳۹۰: ۳۷).

رسانه‌ها می‌توانند شیوه‌های مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن را به مردم آموزش دهند. آن‌ها با به تصویر کشیدن فرایند بزهکار شدن یک فرد، به مخاطبان می‌آموزند که چگونه با اتخاذ تدابیر صحیح تربیتی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی مانع بزهکار شدن خود و اطرافیان شوند. البته گفته می‌شود انعکاس اخبار جرائم در رسانه‌ها منجر به بدآموزی می‌شود، ولی از آنجا که بزهکاری امری غیرعادی است و در اکثر موارد قربانیانی را به همراه دارد و احساساتی را جریحه‌دار می‌سازد، در صورتی که هیچ رسانه‌ای هم آن را پوشش ندهد، باز هم از راه‌های غیررسمی و آن هم نه همان‌گونه که اتفاق افتاده، بلکه بر اساس برداشت‌ها و سلیقه‌های افراد بازگوکننده، مطرح می‌شود و به گوش مردم می‌رسد، عدم درج اخبار جرائم در رسانه‌ها، کنجکاوی مردم را نسبت به دانستن حقیقت مسئله بر می‌انگیزد و به هر حال آن‌ها اخبار لازم را حتی از منابع نامعتبر دریافت می‌کنند، باید توجه کرد که مسکوت گذاشتن اخبار حوادث و اتفاقات و نپرداختن رسانه‌ها به آن‌ها هم خود موجب احساس نگرانی و هراس در مردم می‌شود، زیرا آن‌ها از یک طرف شاهد حوادث و ناامنی‌های موجود در شهر یا محل زندگی‌شان هستند، از طرف دیگر تحلیل و تفسیر درستی از وقایع به آن‌ها داده نمی‌شود (شایگان، ۱۳۸۹: ۹۳) و لذا ممکن است برای یافتن پاسخ به هر وسیله‌ای روی آورند و تفسیرهای ناصحیح بگیرند و موجب ناامنی بیشتر شوند؛ لذا بهتر است مردم حقیقت را از زبان منابع معتبر و فراگیرتری مانند رسانه بشنوند.

با رواج دیدگاه رسانه‌سالاری که از قدرت بالای رسانه‌ها در القا و تأثیرگذاری بر روی مخاطبان صحبت به عمل می‌آورد و برای مخاطبان در قبال پیام‌های رسانه‌های عمومی نقش انفعالی و تأثیر پذیر قائل است. اما دو اثر جرم‌زا و جرم‌زدای رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری مکمل و تسهیل‌کننده سیاست جنایی رسانه‌ای در نظر گرفته می‌شود. تحقیقات متناقض در رابطه با جرم‌زایی رسانه‌ها بیشتر به مشکلات ذاتی این عرصه بر می‌گردد زیرا انجام تحقیقات کمی در غیر شرایط آزمایشگاهی و تأثیرات بر جنبه‌های کیفی زندگی بسیار دشوار و غیر قابل تعمیم است؛ در نتیجه اکثر شواهد حالت توصیفی دارند تا بررسی کمی. دوماً شیوه‌های تأثیرگذاری رسانه‌ها بر جرائم بسیار زیاد است؛ سوماً به دلیل کوچک‌بودن جرم‌زایی رسانه‌ها در سطح جامعه و پیوند آن با سایر عوامل نمی‌توان مستقلاً نقش رسانه را سنجید؛ چهارماً مشخص کردن افرادی که تحت تأثیر رسانه مجرم شده‌اند با توجه به تأثیرات ناآگاهانه رسانه‌ها مشخص نیست. از طرفی چه بسا برخی از رسانه‌ها در زمینه ارتکاب بزه تأثیر پذیرفته باشند. (ر.ک جهان‌بین، ۱۳۸۲: ۱۱۰)

هابرماس با تأکید بر نقش ویژه "ژورنالیسم" در اثرگذاری بر مخاطبان به‌ویژه بر مخاطبان اثرپذیر منفعل که وی از آن‌ها تحت عنوان "توده صرفاً پذیرا" یاد می‌کند (بیات، ۱۳۸۸: ۸۰) تأثیر دارد. مک‌کویل معتقد است با وجود دشواری‌ها و نتیجه‌بخش نبودن مسئله تأثیر رسانه‌ها معلوم شده است که این موضوع هم برای عالمان اجتماعی و هم خود رسانه‌ها و هم عموم مردم بسیار جذاب و اجتناب‌ناپذیر است. اگر ما اساساً باور نداشتیم که رسانه‌ها پیامدهای درازمدت با اهمیت دارند، هرگز این همه زمان به مطالعه آن‌ها اختصاص نمی‌دادیم (بیات، ۱۳۸۸: ۸۴). گاهی مواقع

رسانه‌ها پیشاپیش به قضاوت و محکوم کردن اقدامی می‌پردازند بدون اینکه از خود بپرسند که چنین "رسانه‌ای کردن اتهام" چه نتایج و پیامدهایی را می‌توان در بر داشته باشد. و برعکس گاهی مواقع پیش از صدور حکم دادگاه متهمی را تبرئه می‌کنند (ر.ک سرون، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

یکی از آثار ناگوار این رسانه‌ها این است که وقتی رسانه‌ها اعلام می‌دارند که فلانی بدترین یا بهترین یا خطرناک‌ترین جنایتکار است موجب می‌شود که این مجرم با این عناوین خویشتن را در زندان تسکین دهد و حتی نسبت به دیگران احساس فخر کند. برای مثال در مشاهده شخصی با یکی از زندانیان بند اعدامی‌ها و محکومین به زندان طویل‌مدت در زندان قصر تهران فردی که مرتکب چند فقره قتل شده بود تکه‌های روزنامه/انتخاب، ایران و همشهری را جمع می‌کرد و با افتخار آنان را به دیگر زندانیان نشان می‌داد و احساس مباهات می‌کرد، دیگر زندانیان نیز برای وی احترام خاصی قائل بودند و به تعداد دفعاتی که در روزنامه‌ها و صدا و سیما به موضوع قتل وی پرداخته شده بود وی خود را از دیگران مهم‌تر و با ارزش‌تر می‌دید! (جهانبین، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

پتانسیل رسانه در پیشگیری و آگاه‌سازی از وقوع جرم

(Potential of the media in crime prevention)

با توجه به اینکه سیستم‌های قضایی و انتظامی نقش محدودی در پیشگیری از جرم دارند، استفاده از رویکردهای دیگر در این ارتباط لازم به نظر می‌رسد. رسانه‌های گروهی این توانایی را به عنوان ابزار آموزشی توانمند جهت پیشگیری مؤثر از جرم دارند. تحقیقات گسترده‌ای در ارتباط با نقش سازنده و مثبت رسانه‌های گروهی در این زمینه وجود دارد. اهمیت ویژه رسانه به عنوان نخستین نماینده تولید دانش، انتشار، ترویج علوم، فنون و نیز به عنوان ناظر عمومی و کارگزار اطلاعات مشخص شده است (رنجبر و ایری، ۱۳۹۰: ۳۷). جرائم معمولاً مخفی و پنهان هستند. همین مخفیانه بودن جرم، باعث می‌شود که امکان جدا کردن عوامل تأثیر رسانه‌های جمعی و بررسی و سنجش نقش آن‌ها بسیار دشوار شود (آسیایی، ۱۳۹۲: ۶۵۵). آگاه‌سازی، فعالیت‌های سازماندهی شده‌ای هستند که توجه ما را به جرم و پیشگیری از آن جلب می‌کنند. این طرح‌ها از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی و استفاده از رسانه‌ها در حجم وسیع، اهداف پیشگیری خود را عملی می‌کنند. طرح‌های آگاه‌سازی ممکن است کوتاه‌مدت و یا بلندمدت باشند. کمیته ملی پیشگیری از جرم با همکاری سایر بخش‌ها در یک طرح بلندمدت، باید ضرورت ایجاد یک جایگاه مرکزی برای پیشگیری از جرم در پلیس و ضرورت مشارکت جامعه را تأکید کند. طرح‌های آگاه‌سازی برآموزش عمومی و خدمات به جامعه تأکید دارند (آرینگتون، ۱۳۹۰: ۱۳۱). با تغییر جامعه، جرم نیز تغییر می‌کند. در دهه گذشته به کودکان می‌آموختیم که مراقب غریبه‌ها در کوچه پس کوچه که هنگام بازگشت از مدرسه به آن‌ها

نزدیک می‌شوند، باشند. این درس هنوز هم کاربرد دارد. اما امروز باید مراقب یغماگرانی باشیم که خودمان به وسیله اینترنت آن‌ها را به منزلمان دعوت می‌کنیم. (همان: ۳۶۵)

نتیجه‌گیری

به اعتقاد سورین و تانکارد (۱۳۸۸) رسانه‌ها از طریق نمایش رفتار درست می‌توانند اجتماع را حفظ کنند؛ این اقدام به چند دلیل عملی است ۱. داشتن دانش و اطلاعات لازم در زمینه جرم و راه‌های پیشگیری از آن؛ ۲. نقش و جایگاه تأثیرگذاری رسانه در جامعه؛ ۳. خواهان مسئولان دستگاه نظارتی و کنترلی و مقابله‌ای از طریق رسانه در امر پیشگیری. با این حال پیشگیری از جرم اغلب مستلزم پیش‌بینی وقایع است. شاید رفتارهای گذشته بهترین وسیله برای پیش‌بینی رفتارهای آینده باشند، البته پیش‌بینی بی‌نقص و تمام‌عیاری نخواهند بود. (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۲۱۳)

رسانه‌ها توانایی حساس‌سازی عموم جامعه نسبت به موضوع پیشگیری از جرم در سطح اجتماعات محلی و ملی را دارند. لذا معرفی و شناسایی مزایا و نتایج اجرای طرح‌های موفقیت‌آمیز و تصریح در چگونگی کاهش جرائم یا حل و فصل اختلافات از جمله اقداماتی است که باید از طریق رسانه‌ها انجام پذیرد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۱). بر این اساس رسانه‌ها با افزایش نقش آموزش و اطلاع‌رسانی می‌توانند سهم بسزایی در این زمینه داشته باشند. از راهکارهای مقابله با جرم‌زایی رسانه‌های گروهی می‌توان به مقابله با تحریک‌کنندگی و جرم‌خیزی احتمالی، بازبینی محتوای برنامه‌ها و مطالب رسانه‌های حقوقی، تصویری و نوشتاری، اجتناب از قهرمان‌سازی از مجرمان، ناامن جلوه دادن جامعه، جوسازی و بزرگ‌نمایی حوادث و بی‌اعتنایی به آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی مسائل اشاره کرد. (مسکنی، ۱۳۸۴: ۲۲)

در خاتمه دو موضوع در خصوص رسانه‌های گروهی مورد توجه قرار می‌گیرد: یکی راه‌هایی که رسانه‌های گروهی می‌توانند در پیشگیری از جرم مؤثر باشند. و در جایی که رسانه‌های گروهی قادرند تشویق به جرم کنند یا مردم را در ارتکاب به جرم ترغیب کنند. یعنی به عبارتی موضوع اول راه‌هایی که رسانه‌های گروهی در بسیاری از کشورها نقش هدایت‌کننده در کشف جرم داشته‌اند را نشان می‌دهد. درخصوص موضوع دوم رسانه ممکن است ابزاری در جهت ارتکاب جرم باشد. نمایش رسانه از جرم اگر در شکل اخبار یا نمایش محبوب و عامه‌پسند باشد، تأثیری عمیق روی شنوندگان و بینندگان خواهد داشت. به‌طور کلی قدرت رسانه‌های گروهی در نفوذ و ایجاد تغییر در جامعه همانند یک شمشیر دو لبه است. رسانه می‌تواند هم باعث افزایش جرم و جنایت در جامعه شود و در همان حال می‌تواند ابزاری در جهت پیشگیری از جرم باشد.

پی‌نوشت

۱. در نمایش جنایی که خشونت را به تصویر می‌کشند؛ نسبت بالایی از مجرمان گرفتار عدالت می‌شوند تا چیزی که در زندگی واقعی و با تحقیقات پلیس اتفاق می‌افتد، و در کارتون‌ها معمولاً شخصیت‌های تهدیدگر یا

آسیب‌رسان، به عقوبت می‌رسند. بنابراین نمی‌توان ضرورتاً نتیجه گرفت که سطوح بالای تصویرکردن خشونت مستقیماً موجب پیدایش الگوی تقلید در میان بینندگان می‌شود. چرا که شاید آن‌ها از این مضامین اخلاقی بنیادی تأثیر بیشتری بپذیرند. (ر.ک گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۶۱).

منابع

- آرینگتون، ریچارد (۱۳۹۰)، *پیشگیری از جرم*، ترجمه عفت ملک، انتشارات شرکت ناجی نشر.
- آسیایی، رویا (۱۳۹۲)، *جایگاه رسانه ملی در عصر ارتباطات و نقش آن در جرم‌زدایی*، *دایره المعارف علوم جنایی* زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب دوم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، *مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم*، چاپ دوم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- اسمعیلی، حبیب و وحیده کسمایی‌پور (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل امنیتی جرم و نقش آن‌ها در پیشگیری از جرم»، *فصلنامه پلیس آذربایجان شرقی*، سال اول، شماره اول.
- اشنایدر، ریچارد و تد کیچین (۱۳۸۷)، *برنامه‌ریزی شهری برای پیشگیری از جرم*، ترجمه فرزانه سجودی، انتشارات نشر میزان.
- بیابانی، غلامحسین (۱۳۸۴)، «نقش وسایل ارتباط جمعی در امنیت اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره اول، بهار.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی»، *فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی*، دوره ۱ شماره اول، بهار.
- جهانبین، داریوش (۱۳۸۲)، «نقش رسانه‌ها در کنترل و امنیت اجتماعی»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۳، تابستان.
- رنجبر، علی‌اصغر و امان محمد ایری (۱۳۹۰)، «رسانه و پیشگیری از جرم»، *نشریه اصلاح و تربیت*، سال دهم شماره ۱۱۴.
- سرونت، پیر (۱۳۸۷)، *خیانت رسانه‌ها*، ترجمه محمد رضا دهشیری، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. سورین، ورنر جی و جیمز دبلیو تانکارد، (۱۳۸۸)، *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران.
- شایگان، فریا (۱۳۸۹)، «رسانه و آموزش جرم»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۲۴، زمستان.
- عابدی تهرانی، طاهره و فاطمه افشاری (۱۳۹۰)، «تأثیر رسانه در گسترش مصادیق بی‌بندوبار (فرار از خانه و روابط جنسی نامشروع) و راه‌حل‌های آن»، *دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، سال شانزدهم، شماره ۵۵، پاییز و زمستان.
- فرجیها، محمد (۱۳۸۵)، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۲، پاییز.
- کلارک، رونالد وی و جان اک (۱۳۸۸)، *جرم‌شناسی پیشگیری*، ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقی‌زاده، انتشارات سازمان زرد.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، ویراست چهارم، انتشارات نشر نی.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷)، *پلیس و سیاست پیشگیری از جرم*، انتشارات مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- مسکنی، زهره (۱۳۸۴)، «بررسی تأثیر رسانه‌ها در وقوع و پیشگیری از جرائم»، *نشریه اصلاح و تربیت*، سال چهارم، شماره ۴۱.
- معینی‌فر، حشمت‌السادات (۱۳۸۸)، «بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دور دوم، شماره ۷، پاییز.
- هادیان، زهرا (۱۳۹۰)، «رسانه‌های گروهی و انحرافات اجتماعی»، *نشریه معلم*، شماره هفتم، فروردین.
- Dubois, Judith (2002), *Media Coverage of Organized Crime: Impact on Public Opinion?*